

تبیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر ﷺ در قرون دوم تا چهارم هجری

هادی یعقوب زاده* / عباس احمدوند** / محمد مهدی باباپور گل افشانی***

چکیده

تبیین رویکردهای سیره نگاران امامیه به سیره پیامبر ﷺ در قرون دوم تا چهارم هجری، علاوه بر اثبات اهتمام آنان به سیره آن حضرت ﷺ، به دسته بندی این رویکردها و تبیین فضای حاکم بر سیره نگاری امامیه کمک خواهد کرد. به همین منظور، مکتوبات امامیه در سیره پیامبر ﷺ شناسایی و به دلیل فقدان آنها، قطعات برجای مانده از برخی از آنها به روش تطبیقی گونه شناسانه تحلیل گردید. تحیل و گمانه زنی این داده‌ها نشان داد که در قرون نخستین سه رویکرد اصلی؛ روایی، کلامی و تاریخی بر فضای سیره نگاری امامیه حاکم بوده است. در دو رویکرد روایی و کلامی به رغم تفاوت در روش، سیره نگار درصدد ارائه چهره‌ای فراتاریخی و فرابشری از پیامبر ﷺ بوده و درصدد اثبات حقانیت ایشان و اهل بیت ﷺ می‌باشد. در حالی که در معدود آثاری که با رویکرد تاریخی نوشته شده نویسنده با پایبندی به عناصر تاریخ؛ اعم از زمان، مکان، شخصیت و رویداد درصدد ارائه تاریخ عینی و واقعی از آن حضرت می‌باشد.

واژگان کلیدی

سیره پیامبر ﷺ، سیره نگاران امامیه، رویکرد روایی، رویکرد کلامی، رویکرد تاریخی.

h_yaghoubzadeh@sbu.ac.ir

a_ahmadvand@sbu.ac.ir

m_babapour@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

*. دکتري مدرسي معارف اسلامي گرايش تاريخ و تمدن اسلامي.

** استاديار دانشگاه شهيد بهشتي.

*** دانشيار گروه معارف اسلامي دانشگاه شهيد بهشتي.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۱

طرح مسئله

مورخ به عنوان فردی از جامعه محدود به حدودی سنتی، قانونی و یا مذهبی است که بر ذهنیت او اثر گذاشته و رویکردی خاص و متمایز را در او به وجود می‌آورد.^۱ این رویکرد علاوه بر جهت‌دهی در گزینش اخبار تاریخی، در سامان‌دهی و تنظیم آنها نیز موثر خواهد بود. از این رو، به دلیل تأثیر رویکرد و نگرش مورخان در سامان‌دهی آثار تاریخی، در این پژوهش رویکردها و نگرش‌های مورخان مورد توجه قرار گرفته است. سامان‌دهی نظریات و دیدگاه‌ها، کمک به تعمیق و توسعه مطالعات و کشف نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌ها از مزایای پژوهش در زمینه رویکردها و نگرش‌ها می‌باشد. همچنین، این امر در شناخت خاستگاه نظریات و دیدگاه‌ها و بسترهای شکل‌گیری آنها مؤثر خواهد بود. اهمیت مطالعات رویکردشناسانه و از طرفی ضرورت اثبات نقش امامیه در بنیان‌گذاری تمدن اسلامی، ما را بر آن داشت به بررسی رویکردهای سیره‌نگاران امامیه در قرون دوم تا چهارم هجری بپردازیم. این امر علاوه بر کشف رویکردهای سیره‌نگاران امامیه، به روشن شدن نقش آنها در نحوه گزارش سیره پیامبر ﷺ کمک خواهد کرد و نقش علمای امامیه را در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی، از طریق مشارکت در نگارش سیره پیامبر ﷺ، روشن خواهد نمود.

بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که سیره‌نگاران امامیه در فاصله زمانی قرن دوم تا چهارم هجری با چه رویکردهایی به نگارش سیره پیامبر ﷺ پرداخته‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال، با مراجعه به منابعی همچون *رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی* و دیگر منابع رجالی، سیره‌نگاران امامیه که در دوره زمانی فوق می‌زیسته‌اند، شناسایی شدند. بررسی‌ها نشان داد در این دوره، پانزده سیره‌نگار امامی می‌زیستند^۲ که مجموعاً نوزده اثر در قالب تک‌نگاری در سیره پیامبر ﷺ پدید آورده‌اند. پس از شناسایی سیره‌نگاران، تبیین رویکردهای آنان، به عنوان مسئله پژوهش حاضر مدنظر قرار گرفت. اما به دلیل فقدان سیره‌های آنان، تلاش شد با روش تطبیقی گونه‌شناسانه از طریق مقایسه میان عناوین کتب با یکدیگر و نیز تحلیل قطعات برجای مانده از آثار آنان، به گمانه‌زنی درباره رویکرد سیره‌نگاران پرداخته شود. این مطالعه نشان داد در فاصله زمانی مزبور، سه رویکرد اصلی: روایی، کلامی و تاریخی رویکردهای حاکم بر جامعه امامیه بودند. به رغم تفاوت رویکرد روایی با کلامی از منظر روش و احیاناً محتوا، کسانی که با

۱. بنگرید به: زرین کوب، *تاریخ در ترازو*، ص ۱۴۰.

۲. در ادامه معیار اثبات امامی بودن این سیره‌نگاران خواهد آمد.

این رویکردها به سیره پیامبر ﷺ روی آوردند، درصدد ترسیم چهره‌ای فراتاریخی و فرابشری از پیامبر ﷺ بوده و آثار آنان مشحون از کرامات و معجزات بوده است. بررسی قطعات برجای مانده از آثار آنان اثبات‌کننده این ادعا است. در حالی که نویسندگان آثاری که با رویکرد تاریخی نوشته شده‌اند، با پایبندی به عناصر تاریخ؛ اعم از زمان، مکان، شخصیت و رویداد درصدد ارائه تاریخی عینی و ملموس از پیامبر ﷺ بوده و به جنبه‌های بشری زندگی ایشان بیشتر توجه نموده‌اند.

تذکر این نکته ضروری است که به رغم کاربرد واژه «سیره» درباره همه معصومان ﷺ، مراد از آن در این پژوهش تنها سیره پیامبر ﷺ می‌باشد. همچنین، اصطلاح «امامیه» در این پژوهش، هم بر کسانی اطلاق می‌شود که در عصر امامت امام زمان ﷺ به امامان دوازده‌گانه باور داشتند و هم بر کسانی که در عصر پیش از امام زمان ﷺ می‌زیستند اما بعدها رجال شناسان آنان را از علمای امامیه به حساب آوردند.

پیشینه تحقیق

به رغم بررسی‌های صورت گرفته، اثری که به طور جامع به بررسی رویکردهای سیره‌نگاران امامیه پرداخته باشد، یافت نگردید. رسول جعفریان در مقاله‌نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع، در آئینه پژوهش، آذر و دی ۱۳۷۵، تنها اشاره‌ای گذرا به برخی از رویکردها نموده است. منصور داداش نژاد نیز در مقاله «تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین»، در نامه تاریخ پژوهان، تابستان ۱۳۸۶، گزارشی از تاریخ‌نگاری شیعیان، بدون تحلیل رویکرد سیره‌نگاران امامیه ارائه کرده است. کتاب تاریخ‌نگاران امامیه نوشته منصوره بخشی نیز به دلیل گستردگی و پرداختن به سنت تاریخ‌نگاری شیعیان به طور اعم، نتوانسته تلاش سیره‌نگاری امامیه را به طور جزئی و مستند و با تبیین رویکردهای حاکم بر آن ارائه کند. مقاله اصحاب امامان شیعه و سیره‌نگاری نوشته حسین حسینیان مقدم و دیگران، در فصلنامه شیعه‌شناسی، تابستان ۱۳۹۲، به بررسی هشت تن از سیره‌نگاران اعم از امامیه و غیر آن، محدود گشته و به تحلیل رویکردها نپرداخته است. از این رو، اثر حاضر تلاشی جدید برای تبیین رویکرد سیره‌نگاران امامیه به سیره پیامبر ﷺ می‌باشد.

تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی «رویکرد»

واژه رویکرد از واژگان جدیدی است که در اثر تعامل با غرب و در برابر واژه «Approach»، در

زبان فارسی ایجاد شده و به معنای رهیافت، راهبرد، نگرش و تلقی می‌باشد.^۱
در اصطلاح، رویکرد و نگرش، یک طرح ذهنی نسبت به قضایا و امور مختلف است که بر پایه باورهای فرد و نوع ارتباطی که با موضوع پیدا می‌کند، ایجاد می‌شود.^۲ مقصود از واژه رویکرد در این پژوهش، نگرش خاص به سیره نبوی ﷺ، با تکیه بر پیش‌فرض‌ها و مبانی پیشینی هر نویسنده است که موجب می‌شود ارائه، تنظیم و یا تحلیل سیره پیامبر ﷺ دارای ویژگی‌های خاص و متمایزی گردد.

معیار تشخیص سیره‌نگاران امامیه

امامیه به کسانی گفته می‌شود که به وجوب امامت، عصمت در امام و نص بر امامت او معتقدند.^۳ به رغم اختلاف در کاربرد اصطلاح امامیه در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام،^۴ در به کارگیری آن در عصر غیبت و با تکمیل شدن امامان دوازده گانه اختلافی نیست.^۵ در این مقطع، این اصطلاح بر کسانی اطلاق می‌شد که به وجود نص بر امامت امام علی علیه‌السلام و فرزندان وی باور داشتند. همچنین بر کسانی که در دوره پیش از غیبت صغری بر این عقیده بودند، این اصطلاح اطلاق می‌شد. به کار رفتن اصطلاح «امامی مذهب» و نظایر آن در منابع رجالی شیعه و سنی می‌تواند بیانگر امامی بودن فرد باشد.^۶ اما با توجه به کاربرد اندک واژه «امامی» برای معرفی راویان در منابع رجالی شیعه، می‌توان عبارت «من اصحابنا»^۷ را در این منابع، دال بر امامی بودن فرد گرفت.^۸

به‌عنوان نمونه، بررسی رجال نجاشی نشان داد هرگاه عبارت «من اصحابنا» بدون قیدی

۱. حق شناس، فرهنگ معاصر هزاره، ص ۵۵.

۲. باقری، تربیت، ش ۳۱، ص ۳۲.

۳. مفید، الفصول المختاره، ص ۲۹۶.

۴. عالمی و صفری فروشانی، نقد و نظر، ص ۱۰۹.

۵. همان، ص ۱۱۰.

۶. در رجال نجاشی تنها این واژه برای معرفی بندار بن محمد به کاررفته است. (نجاشی، رجال، ص ۱۱۴) طوسی

نیز این واژه را برای بندار بن محمد، (طوسی، الفهرست، ص ۴۱) حسن بن عیسی، (طوسی، الفهرست، ص ۵۴)

عبدالعزیز بن یحیی جلودی (طوسی، الفهرست، ص ۱۱۹) و ابن ابی عقیل عمانی به‌کاربرده است. (طوسی،

الفهرست، ص ۱۹۴؛ و نیز بنگرید به: حلی، خلاصه الاقوال، ص ۱۱۶؛ ابن داود، رجال، ص ۱۴۱)

۷. از اصحاب ماست.

۸. بنگرید به: حلی، معارج الاصول، ص ۱۵۱.

بیاید، بر امامی بودن فرد دلالت می‌کند.^۱ زیرا نجاشی درباره کسانی که به فساد عقیده متهم بوده و امامی بودن آنان محرز نبوده، این عبارت را به کار نبرده است.^۲ البته نجاشی هر چند علی بن حسن بن فضال را با عنوان «من اصحابنا» یاد می‌کند، اما در ادامه به فطحی بودن او نیز اشاره می‌کند.^۳ در منابع اهل سنت نیز در کنار کاربرد اندک واژه امامی برای برخی از افراد،^۴ به کارگیری واژه‌های منفی «رافضی» و مشتقات آن و یا «شیعی غالی» را می‌توان قرینه‌ای بر امامی بودن فرد دانست.^۵ برخی از علمای اهل سنت واژه «رافضی» را مترادف با امامیه دانسته و آن را بر کسانی اطلاق کرده‌اند که به نص در امامت معتقد بودند.^۶ بنابراین، این نوشتار به سیره‌نگارانی می‌پردازد که امامی بودن آنان با یکی از نشانه‌های فوق اثبات شده باشد.

رویکردهای سیره‌نگاران امامیه

۱. رویکرد روایی

در قرون نخستین، برخی از علمای امامیه به حکم «اهل البیت ادري بما في البیت» سیره پیامبر ﷺ را با استفاده از روایات امامان علیهم‌السلام تدوین نمودند. اینان چون خود اهل حدیث بودند، به روش اهل

۱. نجاشی در توصیف عبد الرحمن بن احمد بن جبرویه از وی با عنوان «متکلم من اصحابنا» یاد می‌کند که به واسطه ارشادات او، محمد بن عبد الله بن مملک اصفهانی از مذهب معتزله به امامیه گروید. (نجاشی، رجال، ص ۲۳۶) وی همچنین از عبید الله بن ابی‌زید (د. ۳۵۶ ق) که قبلاً واقفی بوده و سپس به امامیه گرویده با عنوان «شیخ من اصحابنا» یاد می‌کند. (نجاشی، رجال، ص ۲۳۲) این نشان می‌دهد نجاشی «اصحابنا» را تنها بر امامیه اطلاق می‌کرده است. همچنان که نجاشی برای کسانی همچون زراره بن اعین امامی (نجاشی، رجال، ص ۱۷۵) و علی بن محمد کرخی صاحب کتاب «لامامه»، (نجاشی، رجال، ص ۲۶۸) و فضل بن شاذان عبارت «اصحابنا» را ذکر کرده است (نجاشی، رجال، ص ۳۰۷ - ۳۰۶)

۲. نجاشی به دلیل فساد مذهب جعفر بن محمد بن مالک عبارت «من اصحابنا» را برای او به کار نبرده است. (نجاشی، رجال، ص ۱۲۲) همچنین درحالی که بر وثاقت عبد الملک بن هارون بن عنتره شیبانی تصریح کرده، ولی به دلیل اینکه به معتقدات امامیه باور نداشته، برای او از عبارت «من اصحابنا» استفاده نکرده است. (نجاشی، رجال، ص ۲۴۰) همچنان که طوسی برای عبد الله بن بکیر فطحی مذهب که او را ثقه می‌داند، این عبارت را به کار نبرده است. (طوسی، الفهرست، ص ۱۰۶)

۳. نجاشی، رجال، ص ۲۵۸ - ۲۵۷.

۴. سمعانی، الانساب، ج ۶، ص ۲۴۸، ج ۹، ص ۳۷۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۰، ص ۲۸۲، ج ۲۸، ص ۳۱۶؛ زرکلی، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۶، ص ۱۰۳.

۵. بنگرید به: تستری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۲.

۶. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۴۲؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۷، ص ۴۶۳؛ قلقشندی، صیح الأعیسی، ج ۴، ص ۳۰۶.

حدیث پایبند بودند. از این رو، به رغم تفاوت گونه‌ها و قالب‌های عرضه روایات سیره، همه آنان در توجه محض بر نقل و در نتیجه تسامح در سند و راوی، بی‌توجهی به عناصر تاریخ‌نگاری، عدم توجه به نقد و تحلیل، اشتراک دارند.^۱ هرچند اصل مکتوبات امامیه در سیره پیامبر ﷺ که در قرون نخستین نوشته شدند، موجود نیست، اما بررسی منابع روایی و نیز قطعات برجای مانده از مکتوبات امامیه نشان دهنده وجود ویژگی‌های فوق در این آثار است. بررسی‌ها نشان داد در رویکرد روایی، تاریخ زندگی پیامبر ﷺ یک موضوع فرعی بوده و موضوع حقیقی اثبات باورها و اندیشه‌های شیعی از خلال روایاتی است که از امامان علیهم‌السلام درباره پیامبر ﷺ نقل شده است. به عنوان نمونه، کلینی در بخشی با عنوان «ابواب التاریخ» به سیره پیامبر ﷺ پرداخته است. وی پس از گزارش مختصری از ولادت تا هجرت پیامبر ﷺ، روایاتی درباره آن حضرت ارائه می‌کند. این روایات به جنبه‌های فراتاریخی پرداخته و موضوعاتی همچون خلقت نوری آن حضرت،^۲ شأن و مقام ایشان در نزد خداوند متعال و برتری آن حضرت بر همه مخلوقات،^۳ سلام سنگ و درختان بر آن حضرت^۴ و... را ذکر کرده است. در این روایات، حضرت علی علیه‌السلام در همه مواضع حتی در خلقت نوری همراه با پیامبر ﷺ و در رتبه‌ای پایین‌تر از آن حضرت و برتر از دیگر مخلوقات قرار دارد.^۵ این بخش که حاوی چهل روایت است، شباهتی به گزارشات تاریخی که در منابع تاریخی آمده و به ذکر سلسله رخدادهای زندگی آن حضرت پرداخته‌اند، ندارد. علی رغم دقت کلینی در نقل روایات صحیح، در این بخش روایات ضعیف نیز دیده می‌شود. به عنوان نمونه وی روایتی را در باب خلقت پیامبر ﷺ، امام علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام پیش از خلقت همه موجودات نقل کرده که در سند آن معلی بن محمد به چشم می‌خورد که از نظر نجاشی ضعیف شناخته شده است.^۶ کلینی اثر خود را با استفاده از جزوه‌ها و رساله‌های حدیثی و نیز روایاتی که خود از دیگران شنیده، تنظیم نموده است.^۷ بنابراین، می‌توان تصور کرد رساله‌ها و یا کتاب‌هایی که به سیره پیامبر ﷺ می‌پرداختند، حاوی موضوعاتی شبیه به آنچه که در *الکافی* آمده، بوده‌اند. در میان روایات برجای مانده از سیره‌های نوشته شده توسط

۱. توحیدی‌نیا و صفری فروشانی، *تاریخ اسلام*، ص ۱۸ - ۱۵.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۳۸.

۳. همان، ص ۴۳۷.

۴. همان، ص ۴۴۴.

۵. همان، ص ۴۴۲.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۴۱۸.

۷. بنگرید به: *درایتی، مقدمه بر الکافی*، ج ۱، ص ۱۰۰.

امامیه، به عنوان نمونه می‌توان به روایت هشام بن سالم درباره معراج اشاره کرد. این روایت با روایاتی که کلینی درباره معراج پیامبر ﷺ نقل کرده،^۱ هماهنگ است.

گفته شد سیره‌نگاران امامیه در قالب‌ها و گونه‌های مختلفی روایات مرتبط با پیامبر ﷺ را عرضه کرده‌اند. بررسی عناوین و روایات برجای مانده از آثاری که با رویکرد روایی نوشته شده‌اند، نشان می‌دهد که این آثار را می‌توان در سه گونه واقعه‌نگاری، مناقب‌نگاری و مغازی‌نگاری دسته‌بندی کرد. در ادامه به بررسی این آثار پرداخته خواهد شد.

الف) رویکرد روایی در قالب واقعه‌نگاری

بررسی عناوینی که در کتاب نجاشی ذکر شده، نشان می‌دهد که برخی از سیره‌نگاران در قالب واقعه‌نگاری با بررسی واقعه و رخداد مشخصی از زندگی پیامبر ﷺ، روایت مرتبط با آن را تدوین نمودند. یکی از این نمونه‌ها، کتاب *المعراج* نوشته هشام بن سالم جوالیقی (زنده در: ۱۸۳ ق) است. وی از موالی کوفه، ناقل روایاتی از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و از متکلمان مشهور امامیه بوده است.^۲ هشام در این اثر، روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام درباره معراج پیامبر ﷺ نقل کرده که آن را علی ابن ابراهیم قمی (زنده در: ۳۰۷ ق)، به نقل از ابن ابی عمیر (د. ۲۱۷ ق) در تفسیر خود آورده است.^۳ هیچ شاهدی مبنی بر اینکه این اثر جز این روایت، مطالب دیگری را در برداشته، در دست نیست. جامع بودن روایت که واقعه معراج را به طور کامل دربر گرفته، نشان از این دارد که این اثر جزوه مختصری بوده که تنها به یک رخداد از زندگی پیامبر ﷺ پرداخته است. ثبت یک روایت مفصل در قالب جزوه و یا همان کتاب کوچک در میان راویان، امری معمول بوده است. به عنوان نمونه، ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸ ق)، سلمان فارسی (د. ۳۶ ق) را صاحب کتاب می‌داند.^۴ سبجانی این کتاب را مشتمل بر حدیث جائلیق می‌داند.^۵ حدیث جائلیق اشاره به ملاقات بزرگ مسیحیان روم با امام علی علیه السلام دارد که پس از پیامبر ﷺ به مدینه آمده و با شنیدن سخنان حضرت علی علیه السلام بر حقانیت اسلام اعتراف کرد.^۶ فارغ از صحت انتساب کتابی با

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. ابن غضائری، *رجال*، ص ۱۱۷؛ نجاشی، *رجال*، ص ۴۳.

۳. بنگرید به: قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۱۲ - ۳.

۴. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۲.

۵. سبجانی، *موسوعه طبقات الفقهاء*، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶. بنگرید به: طوسی، *الامالی*، ص ۲۲۱ - ۲۱۸.

این عنوان به سلمان، این اخبار بیانگر اطلاق واژه کتاب بر جزواتی است که حاوی یک روایت در موضوعی مشخص بوده‌اند. از این رو، می‌توان تصور کرد که کتاب *المعراج* هشام نیز تنها در بردارنده همین روایتی بوده که علی بن ابراهیم آن را در تفسیر خود آورده است.

در این اثر واقعه معراج به عنوان قطعه‌ای جدا از سیر طبیعی زندگی پیامبر ﷺ مورد توجه واقع شده و عناصر تاریخ نگاری در آن رعایت نشده است. شروع ماجرای معراج در این روایت بدین صورت است که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل با براقی به نزد پیامبر ﷺ آمدند. یکی از آنان لگام براق، دیگری رکاب آن و آن یکی پالان براق را مرتب می‌کرد. در ادامه به سوار شدن پیامبر ﷺ بر براق و سیر زمینی و آسمانی وی پرداخته شده و به اتفاقاتی که حول محور معراج در مکه پدید آمد، نپرداخته است.^۱ در حالی که در منابع تاریخی، واقعه معراج در ضمن وقایع دوران زندگی پیامبر ﷺ و به صورت قطعه متصل با دیگر اتفاقات زندگی پیامبر ﷺ ذکر شده است. در این منابع آمده که آن حضرت ﷺ در شب معراج در منزل ام‌هانی بوده و پس از سفر نیز به منزل او بازگشته است. خبر در مکه می‌پیچد، مشرکان به انکار می‌پردازند، پیامبر ﷺ نشانه‌هایی ارائه می‌کند که اتفاقاً آن نشانه‌ها هم مربوط به دو کاروانی است که پیامبر ﷺ در سیر آسمانی خویش آنها را دیده و اتفاقاتی که برای‌شان پیش آمده را مشاهده نموده است.^۲

این، نمونه‌ای از یک رخداد تاریخی است که در تاریخ نگاری روایی تنها به بخش معراج آن اشاره شده و به دیگر جزئیات واقعه اشاره نشده است. در حالی که در منابع تاریخی با رعایت عناصر زمان، مکان، شخصیت و رویداد به عنوان یک رخداد در مجموعه اتفاقات زندگی پیامبر ﷺ بیان گردیده است.

تأکید بر باورها و اندیشه‌های شیعی در این روایت مشاهده می‌شود. آن حضرت بر همه پیامبران تقدم و برتری داشته، به گونه‌ای همه انبیای الهی به او اقتدا کردند.^۳ پیامبر ﷺ صحنه‌هایی را مشاهده می‌کند که پیش از این کسی آنها را مشاهده نکرده است.^۴ این موارد بیانگر دغدغه‌های کلامی نویسنده برای اثبات فضیلت و برتری پیامبر ﷺ بر دیگر پیامبران است.

۱. طوسی، *الامالی*، ص ۲۲۱ - ۲۱۸.

۲. ابن هشام، *السیرة النبویه*، ج ۱، ص ۴۰۴ - ۴۰۳.

۳. قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۴.

۴. همان.

ب) رویکرد روایی در قالب مناقب‌نگاری

برخی از سیره‌نگاران کوشیدند با بهره‌گیری از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در قالب مناقب‌نگاری به بررسی صفات کمال و سیره رفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آداب و سننی که آن حضرت در معاشرت با مردم مراعات می‌کردند، پردازند. از جمله آثاری که با رویکرد روایی و در قالب مناقب‌نگاری نوشته شد، کتاب فضل النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته احمد بن محمد بن عیسی اشعری (د. ۲۵۰ ق) است. وی بزرگ‌علمای امامیه در قم و شخصیت برجسته آنان بوده و در فقه، بلامنزاع بوده است. احمد ثقة بوده و در نقل حدیث محتاط عمل می‌کرده است.^۱ با وجود اینکه روایات فراوانی از وی در موضوعات مختلف نقل شده، اما از کتاب فضل النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وی هیچ روایتی بر جای نمانده است. همچنان که از کتاب فضل النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته سعد بن عبدالله اشعری (د. ۳۰۱ ق) نیز هیچ روایتی بر جای نمانده است. وی نیز از فقها و چهره‌های سرشناس امامیه در قم بوده و نجاشی از وی با عنوان «شیخ الطائفة» یاد کرده است.^۲ منابع روایی، روایات زیادی از اشعری در فضائل و مناقب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند،^۳ اما نمی‌توان گفت این روایات از کتاب فضل النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وی گرفته شده‌اند. این مسئله در مورد کتاب خصائص النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته احمد بن محمد بن حسین (۳۵۰ ق) نیز صادق است. وی از مصنفان بزرگ قرن چهارم بوده که نجاشی برای او صد کتاب برشمرده است.^۴ در منابع متقدم شیعه تصریحی به امامی بودن وی نشده است. تنها در منابع متأخر، وی از علمای امامیه دانسته شده است.^۵ در برخی از منابع اهل‌سنت نیز از وی با عنوان «فاضل امامی» یاد شده است.^۶ البته در منابع روایی، هیچ روایتی از وی در موضوع خصائص النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل نشده است. عنوان کتاب بیانگر این است که مشتمل بر مواردی بوده که در قرآن و روایات، اختصاصی بودن آنها به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثابت شده است.^۷

۱. بنگرید به: نجاشی، رجال، ص ۸۲ - ۸۱؛ طوسی، الفهرست، ص ۲۵؛ حلی، خلاصه الاقوال، ص ۱۴.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۷۸ - ۱۷۷؛ طوسی، الفهرست، ص ۷۶ - ۷۵.

۳. بنگرید به: صدوق، الامالی، ص ۱۱۶ و ۵۵۳.

۴. نجاشی، رجال، ص ۹۰ - ۸۹.

۵. بنگرید به: آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۵؛ امین، اعیان‌الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۳؛ سبحانی، موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۴، ص ۷۴.

۶. زرکلی، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۱، ص ۲۰۸.

۷. نظیر ممنوعیت ازدواج با همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از ایشان. (بنگرید به: احزاب (۳۳): ۵۳) در روایات نیز به مواردی از این اختصاصات اشاره شده است. (بنگرید به: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۴۵ - ۱۴۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۰۸)

دو اثر مفقود شده *اوصاف النبی و الزهد* نوشته ابوجعفر محمد بن علی معروف به صدوق (د. ۳۸۱ ق) نیز درباره فضائل و مناقب رفتاری پیامبر ﷺ بوده اند.^۱ از این دو اثر نیز روایاتی نقل نشده است. اهدافی که از نگارش این آثار دنبال می‌شد به همراه موضوع این گونه آثار، بیانگر تأثیرگذاری رویکرد روایی و کاربست روش حدیثی در نگارش آنهاست. ضمناً با توجه به حاکمیت قاعده «تسامح در ادله سنن» سخت‌گیری‌هایی که در دیگر موضوعات؛ خصوصاً موضوعات فقهی اعمال می‌شد، در اینجا به کار نمی‌رفت.

با توجه به فقدان آثار فوق، تنها راه برای گمانه‌زنی درباره این آثار عناوین آنها می‌باشد. از این رو، هر چند اصل این آثار در دست نیست، اما بررسی منابع روایی نشان می‌دهد که رویکرد علمای امامیه در به کارگیری عناوینی همچون فضل النبی و مانند آن، اثبات برتری پیامبر ﷺ بر دیگر مخلوقات و نیز اثبات شایستگی اهل بیت در احراز جانشینی پیامبر ﷺ بوده است. به عنوان نمونه، مجلسی در جلد ۲۶ *بحار الانوار* بخشی را با عنوان *فضل النبی و اهل بیت* آورده و در آن به ذکر روایاتی پرداخته که برتری پیامبر ﷺ و اهل بیت را بر دیگران اثبات می‌نماید.^۲ پیش از این نیز، کلینی در قالب سیره، روایاتی را آورده بود که بیانگر برتری پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان بر دیگر مخلوقات می‌باشد.

توجه به مناقب و فضائل پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ پس از آن روی داد که فضیلت‌تراشی به یک رویه در جهان اسلام تبدیل شد. همچنان که برخی توانستند با ادعای فضائلی برای خود در جریان سقیفه بنی‌ساعده، خلافت را به دست بیاورند.^۳ به همین دلیل، نگارش ویژگی‌های اخلاقی و صفات برجسته پیامبر ﷺ و نیز ثبت فضائل اهل بیت برای جلوگیری از مصادره آنها توسط دیگران، ضروری می‌نمود.

ج) رویکرد روایی در قالب مغازی نگاری

در قرون نخستین، برخی از سیره نگاران امامیه کوشیدند در قالب مغازی؛ که در آن زمان شیوه رایج نگارش سیره پیامبر ﷺ بود، زندگی ایشان را به تصویر بکشند. «مغازی» از ماده «غزو» گرفته شده و به معنای میدان‌های جنگ است. همچنین بر مناقب جنگجویان و غزوات آنها نیز

۱. بنگرید به: نجاشی، رجال، ص ۳۸۹؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۷ - ۱۵۶.

۲. بنگرید به: مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۶، ص ۳۵۱ - ۳۳۵.

۳. بنگرید به: طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۲۲۲ - ۲۱۸.

اطلاق شده است.^۱ از نظر اصطلاحی، مراد از مغازی همان جنگ‌هاست و بر عملکرد پیامبر ﷺ و اصحابش در جنگ‌هایی که آن حضرت در آنها حضور داشتند، دلالت دارد، اگر چه این واژه غالباً کل حیات پیامبر ﷺ را در برمی‌گیرد.^۲ از این رو، انتظار می‌رود کتب مغازی شامل اخباری تاریخی درباره غزوات پیامبر ﷺ^۳ و یا تمام دوران زندگی آن حضرت ﷺ باشد.^۴ در حالی که روایات برجای مانده از مغازی سیره‌نگاران امامیه نشان می‌دهد علاوه بر محتوای رایج در آثار مغازی، این گونه آثار مشتمل بر اخبار و روایاتی در اثبات حقانیت علی ﷺ نیز بوده است. در حقیقت سیره‌نگاران امامیه تلاش کردند خلأ موجود در آثار مغازی را با پرداختن به روایاتی که نقش حضرت علی ﷺ را در عصر پیامبر ﷺ نشان دهد، پر کنند. این ویژگی، تأثیرگذاری دو نگرش روایی و کلامی را بر این آثار اثبات می‌کند. اینان برای تکمیل اثر خود با وجود اینکه بر روایات معصومان ﷺ متکی بودند، از اخبار دیگران نیز بهره بردند.^۵ از پیامدهای رویکرد روایی تأکید بر نقل و پرهیز از نقد و تحلیل و عدم توجه به بیان سلسله‌وار و فرایندی زندگی پیامبر ﷺ می‌باشد. نگرش کلامی نیز برجسته کردن جنبه فراتاریخی زندگی پیامبر ﷺ و خلط مجادلات کلامی در گزارشات تاریخی را به دنبال آورده است.

ابان بن عثمان احمر بجلي، محمد بن ابی‌عمیر، احمد بن محمد بن خالد برقی (د. ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)،^۶ ابراهیم بن محمد ثقفی (د. ۲۸۳ ق)^۷ علی بن ابراهیم قمی از مغازی‌نگاران امامیه می‌باشند. از کتاب مغازی برقی و ثقفی هیچ روایتی در باب سیره پیامبر ﷺ نقل نشده است. ماهر جرار گمان کرده روایاتی که مجلسی در بحار الانوار از ثقفی نقل کرده، از کتاب مغازی وی می‌باشد،^۸ در حالی که تکیه مجلسی بر یقین ابن طاووس بوده و او این روایات را از کتاب المعرفه ثقفی و نه المغازی وی،

۱. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۴۳۴، ذیل واژه: «غزو».

۲. هورویتز، المغازی الاولى و مولفوها، ص ۹.

۳. مانند المغازی واقدی (د. ۲۰۷ ق) که تنها به غزوات آن حضرت ﷺ پرداخته است.

۴. مانند کتاب «لاکتفاء بما تضمنه فی مغازی رسول الله و الثلاثه الخلفاء»، نوشته ابوالربیع کلاعی (م ۶۳۴ ق) که به بررسی وقایع دوران زندگی پیامبر ﷺ پرداخته است.

۵. بنگرید به: جعفریان، مقدمه بر المبعث و المغازی و الوفاء و السقیفه و الرده، ص ۲۲.

۶. وی از اصحاب امام رضا ﷺ و امام جواد ﷺ بوده و رجال‌شناسان شیعه او را توثیق نموده و او را از مشاهیر امامیه در قم دانسته‌اند. (ابن غضائری، رجال، ص ۳۹؛ نجاشی، رجال، ص ۷۶)

۷. وی ابتدا زیدی بوده و سپس به امامیه گروید. برخی از رجال‌شناسان اهل سنت از وی با القاب «غالباً فی الرفض» یاد کرده‌اند. (ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۳۵۱)

۸. بنگرید به: جرار، هفت آسمان، ص ۲۱۱.

نقل کرده است.^۱ کتاب ابان بن عثمان نیز هر چند بر جای نمانده، اما بخش قابل توجهی از آن در منابع آمده است. همچنین، روایات سیره و مغازی منقول از ابن ابی عمیر و آنچه که از علی بن ابراهیم در تفسیر قمی آمده، به خوبی امکان گمانه زنی درباره رویکرد این دو را فراهم می کند.

ابان بن عثمان، از علمای قرن دوم هجری است که احتمالاً در اواخر این قرن از دنیا رفته است.^۲ با وجود اینکه ابان از اصحاب اجماع^۳ دانسته شده که روایات شان معتبر است، کشی وی را از ناووسیه^۴ می داند.^۵ طوسی درباره ناووسی بودن ابان چیزی ننوشته است.^۶ نجاشی وی را از یاران امام کاظم^{علیه السلام} دانسته است.^۷ در حالی که ناووسیه اعتقادی به امامت امام کاظم^{علیه السلام} ندارند. حلی نیز با وجود پذیرش ناووسی بودن ابان، بر اساس اجماعی که درباره پذیرش روایات وی وجود دارد، روایات وی را قابل پذیرش می داند.^۸ برخی احتمال داده اند ناووسیه تصحیفی از قادسیه باشد.^۹ خوئی این احتمال را پذیرفته و دلیل آن را روایت ابان از امام کاظم^{علیه السلام} می داند،^{۱۰} زیرا اگر ابان ناووسی بود، به دلیل توقف ناووسیه بر امامت امام صادق^{علیه السلام} و عدم اعتقاد به امامت امام کاظم^{علیه السلام}، از ایشان روایت نمی کرد و این دلیلی بر صحت اعتقاد ابان می باشد.^{۱۱} برخی از علمای اهل سنت نیز وی را از علمای امامیه بر شمرده اند.^{۱۲}

۱. بنگرید به: ابن طاووس، *الیقین*، ص ۲۰۸ - ۱۹۳.

۲. جرار، *هفت آسمان*، ص ۲۰۳.

۳. اصطلاح «اصحاب اجماع» که از زمان کشی (د. ۳۴۰ ق) پدید آمده، به هجده تن از روایان روایات امام باقر^{علیه السلام} تا امام رضا^{علیه السلام} اطلاق می شود که علمای رجال و درایه بر وثاقت آنان اجماع کرده اند. (کشی، *رجال کشی*، ص ۳۷۵؛ ابن داود، *رجال*، ص ۱۲ - ۱۱ و ۱۱۶)

۴. ناووسیه فرقه ای بودند که بر امامت امام صادق^{علیه السلام} توقف کرده و معتقد بودند وی شهید نشده، بلکه همان مهدی موعود است که ظهور خواهد کرد. اینان به جهت انتساب به رهبرشان ناووس و یا به جهت انتساب به روستایی به نام ناووس، ناووسیه خوانده شدند. (شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۹۵)

۵. کشی، *رجال کشی*، ص ۳۵۲.

۶. طوسی، *رجال*، ص ۱۶۴.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۱۳.

۸. حلی، *خلاصه الاقوال*، ص ۲۱.

۹. حائری مازندرانی، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، ج ۱، ص ۱۳۸.

۱۰. برای روایت ابان از امام کاظم^{علیه السلام} بنگرید به: کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۲۹۸.

۱۱. خوئی، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال*، ج ۱، ص ۱۴۶.

۱۲. ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۲۲۶؛ زرکلی، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، ج ۱، ص ۲۷.

ابان کتابی تاریخی با عنوان *المبتدأ و المبعث و المغازی و الوفاء و السقیفه و الردة* نگاشته است.^۱ نجاشی نام کتاب را ذکر نکرده، اما آن را به کتابی خوب و بزرگ که در آن «مبتدا، مغازی، وفات و رده» آمده، توصیف کرده است.^۲ بخش *المبتدأ*، به خلقت انسان و تاریخ انبیا اختصاص داشته است. اصل اثر تا قرن ششم در دسترس بوده و طبرسی بخش‌های زیادی از آن را با استناد به کتاب ابان، در کتابش؛ *إعلام الوری بأعلام الهدی* آورده است.^۳ منابع پیش از طبرسی نیز بدون اشاره به کتاب ابان، روایاتی را از وی نقل کرده اند.^۴ اخیراً رسول جعفریان با استفاده از منابعی همچون: *تاریخ یعقوبی، الکافی، الطبقات ابن سعد، اعلام الوری و ...*، بخشی از اثر ابان را بازسازی و تحت عنوان *المبعث و المغازی و الوفاء و السقیفه و الردة* منتشر ساخته است.

متأثر بودن ابان از اهل حدیث و تکیه وی بر روایات معصومان علیهم‌السلام گواهی بر رویکرد روایی ابان است.^۵ همچنین، اهتمام به نقل روایاتی در باب خلافت و وقایع پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بیانگر دغدغه‌های کلامی ابان است. روایاتی همچون؛ سکوت حضرت علی علیه‌السلام به خاطر حفظ اسلام - و شباهت ایشان به هارون و تشبیه مسلمانان به بنی اسرائیل^۶ - شکایت حضرت زهرا علیها‌السلام خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کنار یکی از استوانه‌های مسجدالنبی - آن هنگام که علی علیه‌السلام را برای بیعت بردند^۷ - پاسخ ندادن به سلام ابوبکر توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - وقتی که ابوبکر آن حضرت را در خواب دید^۸ - بیانگر دغدغه‌های شیعی ابان است. همچنین، ابان روایت مفصلی را از امام صادق علیه‌السلام در باب سقیفه نقل می‌کند که ثابت‌کننده باورهای شیعه در حقانیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و غاصب بودن خلفای پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.^۹ پرداختن به نقش پُر رنگ حضرت علی علیه‌السلام در دوران زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز متأثر از باورهای کلامی ابان بوده است. علاوه بر این، نقل مفصل حوادث و

۱. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۸.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۱۳.

۳. طبرسی، *اعلام الوری*، ج ۱، ص ۱۷۹، ۲۱۸ و ۲۴۶.

۴. قمی، *تفسیر قمی*، ج ۱، ص ۱۷۰ و ۲۵۵.

۵. بنگرید به: جعفریان، *مقدمه بر المبعث و المغازی و الوفاء و السقیفه و الردة*، ص ۲۲.

۶. کلینی، *الکافی*، ج ۱۵، ص ۶۶۷ و ۶۶۸.

۷. همان، ص ۸۲۴.

۸. عاملی نباطی، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، ج ۲، ص ۲۹۵.

۹. بنگرید به: عاملی نباطی، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، ج ۲، ص ۸۲.

رخدادهای اعجاز گونه ای که در زندگی پیامبر ﷺ به وقوع پیوسته،^۱ تأکیدی بر رویکرد کلامی ابان است. این روایات در منابع، به عنوان معجزه آن حضرت و به منظور اثبات حقانیت و افضل بودن ایشان ذکر شده است.^۲ بنابراین، کتاب ابان را باید در حوزه آثاری قرارداد که با رویکرد روایی - کلامی نگاشته شده اند. ابان در زمانی کتابش را نوشت که نگارش سیره پیامبر ﷺ آغاز شده و آثاری نیز نوشته شده بود. یکی از معروف ترین آنها سیره ابن اسحاق است که آن هم سه جزء «المبتداء المبعث و المغازی» داشته است. به نظر می رسد ابان سعی کرده بر اساس ساختاری که ابن اسحاق طراحی کرده با رویکرد شیعی به بازبینی و تکمیل آن بپردازد. اضافه کردن سه بخش «وفات، سقیفه و رده» نیز در این راستا صورت گرفته است.

پس از ابان، شاگرد وی، محمد ابن ابی عمیر با نوشتن کتاب «لمغازی»^۳ رویکرد روایی - کلامی ابان را ادامه داد. ابن ابی عمیر از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بوده و در کتب رجال شیعه از وی با عناوین؛ «جلیل القدر» و «عظیم المنزله» یاد شده است.^۴ جاحظ او را از سران رافضه دانسته^۵ و زرکلی از وی با لقب «فقیه امامی» یاد کرده است.^۶ این اثر نیز به مانند دیگر مکتوبات شیعیان از بین رفته است. البته روایاتی از ابن ابی عمیر در سیره پیامبر ﷺ نقل شده است. در میان این روایات یک روایت با عنوان کتاب وی تناسب دارد. این روایت درباره غزوه بنی قریظه می باشد.^۷ بقیه روایات با تعریف عامی که سیره نگاران از مغازی داشته اند - که کل حیات پیامبر ﷺ را در بر می گیرد^۸ - تناسب دارد. علاوه بر این، روایات دیگری درباره سیره

۱. رخدادهایی که در لحظه ولادت پیامبر ﷺ به وقوع پیوست. (صدوق، الامالی، ص ۲۸۷ - ۲۸۵) سخن گفتن حیوانات با پیامبر ﷺ (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۹۰)

۲. مانند استجابت دعای پیامبر ﷺ درباره مشرکان در جنگ احزاب. (طبرسی، اعلام السوری، ج ۱، ص ۱۹۴) خبر دادن پیامبر ﷺ از وصیت ابن حواش به یهودیان، وقتی که به سمت یثرب آمده بودند. (حر عاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ج ۱، ص ۲۰۹) خبر دادن پیامبر ﷺ از گسترش اسلام و تصرف ایران و روم. (حر عاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ج ۱، ص ۲۵۸) جریان باردار شدن آمنه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و مسائلی که پیش آمد. (حر عاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ج ۱، ص ۲۹۲)

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۲۶.

۴. کشی، رجال کشی، ص ۵۸۹؛ نجاشی، رجال، ص ۳۲۶.

۵. جاحظ، البیان و التبیین، ج ۱، ص ۸۸.

۶. زرکلی، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۶، ص ۱۳۱.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۰۶.

۸. بنگرید به: داداش نژاد، سیره نویسان و قرآن، ص ۹.

پیامبر ﷺ از ابن‌ابی‌عمیر نقل شده که هر چند نمی‌توان گفت از کتاب وی برگرفته شده‌اند، اما از طریق آنها می‌توان به رویکرد روایی - کلامی وی پی‌برد. برخی از این روایات بیانگر رخداد‌های دوران زندگی پیامبر ﷺ در مکه می‌باشند. همراهی پیامبر ﷺ با ابوطالب در سفر به شام^۱، جریان خریداری زید بن حارثه از بازار عکاظ و فرزندخواندگی او توسط رسول خدا ﷺ^۲، ذکر زد و خورد های علی ﷺ در نوجوانی با کودکان مکی که به امر پدار نشان پیامبر ﷺ را می‌آوردند^۳ و پاسخ‌گویی آن حضرت به سؤالات مشرکان قریش درباره اصحاب کهف و رقیم^۴ از جمله این موارد است. برخی از این روایات نیز مربوط به دوران حضور پیامبر ﷺ در مدینه می‌باشند. تضرع و گریه شبانه پیامبر ﷺ در منزل ام‌سلمه^۵، محاجه امیرالمؤمنین علی ﷺ با ابوبکر و قضاوت پیامبر ﷺ میان آن دو^۶، گزارش مفصل جریان صلح حدیبیه^۷ و گزارشی از نامه‌های رسول خدا ﷺ به امرای جهان^۸ از جمله روایات مرتبط با عصر مدنی می‌باشند. نقل وقایع تاریخی فوق از امامان ﷺ بیانگر رویکرد روایی ابن‌ابی‌عمیر است. علاوه بر این، روایاتی از ابن‌ابی‌عمیر نقل شده که نشان‌دهنده دغدغه‌های کلامی وی می‌باشند. از جمله این موارد روایت امام باقر ﷺ درباره ایمان پدر و مادر پیامبر ﷺ و ابوطالب است. این روایت که به جریان حجة‌الوداع بر می‌گردد، حاکی از آن است که به خواست خدا پدر و مادر پیامبر ﷺ و عموی ایشان؛ ابوطالب، از خاک برآمده و بر وحدانیت خداوند متعال و رسالت آن حضرت شهادت دادند. به همین دلیل آن حضرت پدر، مادر و عموی خویش را در قربانی‌ای که می‌خواست انجام دهد، شریک گرداند.^۹ این ارتباط ماورائی و تکلم اعجاز‌گونه با درگذشتگان، در کنار تأکید بر ایمان آنان که از مجادلات کلامی میان مسلمانان محسوب می‌شود، رویکرد کلامی ابن‌ابی‌عمیر را نشان می‌دهد. جریان غدیر و حزن شیاطین از اعلام جانشینی امام علی ﷺ و خبر دادن ابلیس از اینکه عده‌ای به او

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۰۰.

۲. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۲ - ۳۱.

۵. همان، ص ۷۵ - ۷۴.

۶. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۴۷.

۷. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۳ - ۳۰۹.

۸. همان، ج ۲، ص ۱۵۲.

۹. همان، ج ۱، ص ۳۸۱ - ۳۸۰.

وعده داده‌اند که این امر محقق نخواهد شد^۱ نیز تأکیدی بر دغدغه‌های کلامی وی است. علی بن ابراهیم قمی نیز علاوه بر نقل روایات ابن‌ابی‌عمیر در تفسیر قمی، کتابی در سیره پیامبر ﷺ به نام *المغازی* داشته است.^۲ این کتاب مفقود شده و در دسترس نیست. البته علی بن ابراهیم، در کتاب *تفسیر قمی* روایات زیادی را در باب سیره پیامبر ﷺ عمدتاً به نقل از ابن‌ابی‌عمیر آورده است.^۳ این امر بیانگر تأثیرپذیری علی بن ابراهیم از ابن‌ابی‌عمیر و به تبع او از ابان بن عثمان بجلی بوده و نشان‌دهنده تداوم مغازی‌نگاری در میان شیعیان است. از این رو می‌توان گفت که علی بن ابراهیم نیز رویکرد روایی - کلامی داشته است که علاوه بر تأکید بر جنبه‌های بشری زندگی پیامبر ﷺ، بر مباحث اعتقادی پیرامون آن نیز تأکید داشته و در مواردی تاریخ را به خدمت کلام گرفته است. بررسی روایات موجود در کتاب *تفسیر قمی* این مطلب را نشان می‌دهد. ضمناً در منابع روایی در باب سیره و مغازی پیامبر ﷺ روایاتی از قمی نقل شده که روشن نیست از کتاب *المغازی* و یا تفسیر وی گرفته شده است. جرار شش روایت موجود در کتاب *اعلام الوری* را بررسی کرده و نشان داده که چهار مورد از آن در تفسیر قمی با تفصیل بیشتری موجود بوده و دو مورد آن در این تفسیر وجود ندارد که احتمال دارد برگرفته از کتاب *المغازی* قمی باشد.^۴

۲. رویکرد کلامی

بنیان‌گذاری تاریخ‌نگاری اسلامی بر پایه جهان‌بینی دینی، زمینه رویکرد کلامی به تاریخ و سیره پیامبر ﷺ را فراهم کرد. در این رویکرد، نویسندگان متعهد به دفاع از عقیده‌ای است از پیش پذیرفته، که البته آن را حقیقت می‌داند. در این تاریخ‌نگاری، تاریخ نه آن‌چنان که هست، بلکه آن‌چنان که باید، گزارش می‌شود.^۵ ادبیات به کار رفته در این رویکرد کلامی بوده و مبانی حاکم بر آن نیز کلامی است. سیره‌نگاران امامیه نیز توجه زیادی به این رویکرد نمودند. هم‌چنان که گفته شد تأثیر نگرش‌های کلامی در تدوین منابع روایی و آثار سیره با رویکرد روایی نیز موثر بوده است.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. بنگرید به: نجاشی، *رجال*، ص ۲۶۰؛ طوسی، *الفهرست*، ص ۸۹؛ ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۵، ص ۴۷۷.

۳. بنگرید به: قمی، *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۱۷۲ و ۳۰۹.

۴. جرار، *هفت آسمان*، ص ۲۱۲ - ۲۱۱.

۵. اسفندیاری، *صحیفه خرد*، ص ۲۲۱ - ۲۲۰.

در رویکرد کلامی برخی در قالب دلایل‌نگاری به سیره پیامبر ﷺ پرداختند. این گونه آثار مشحون از روایاتی در باب معجزات و کرامات پیامبر ﷺ است که به منظور اثبات نبوت آن حضرت گردآوری شده‌اند.^۱ یکی از این آثار متعلق به محمد بن وهبان دبیلی (د. ۳۸۵ ق) است.^۲ دبیلی از اهالی بصره بوده و بزرگان شیعه از وی با عنوان «ثقه من اصحابنا» یاد کرده‌اند که بیانگر امامی بودن وی است.^۳ ابن شهر آشوب برای وی کتابی به نام *اعلام نبوة النبی* ذکر کرده است.^۴ برخی از منابع نام این کتاب را *معجزات النبوه* ضبط کرده‌اند.^۵ ابن شهر آشوب و برخی از علمای پس از وی، با استناد به این کتاب، روایاتی را در موضوع دلائل ذکر کرده‌اند. البته در منابع پیش از ابن شهر آشوب، برای دبیلی کتابی با عنوان *اعلام نبوه النبی* و یا *معجزات النبوه* ذکر نشده است.^۶ استناد ابن شهر آشوب،^۷ عاملی نباطی،^۸ حر عاملی^۹ و دیگران به این کتاب، بیانگر صحت انتساب آن به دبیلی است. عبارت ابن شهر آشوب نشان می‌دهد که وی به اصل کتاب مراجعه داشته است.

علی رغم عنوان کتاب که اختصاص محتوای آن به پیامبر ﷺ را نشان می‌دهد، روایاتی که از آن نقل شده بر حقانیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دلالت دارد. سخن گفتن تعدادی از پرندگان با حضرت علی علیه السلام و سلام دادن به ایشان به عنوان «امیرالمؤمنین و خلیفه پروردگار جهانیان»،^{۱۰}

۱. اعوانی، مقدمه بر *اعلام النبوه رازی*، ص ۱۸ - ۱۷.

۲. قبل از وی احمد بن یحیی اودی کوفی (د. ۲۶۴) بوده که ثقه بوده، کتابی به نام *دلائل النبوة* نوشته. (نجاشی، *رجال*، ص ۸۱؛ ابن داود، *رجال*، ص ۴۸ - ۴۷) ذکر اودی در *رجال* نجاشی هر چند می‌تواند تشیع او را ثابت کند، اما دلالتی بر امامیه بودن وی نمی‌کند.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۶؛ حلی، *خلاصه الاقوال*، ص ۱۶۳.

۴. ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۱۱۶.

۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۰۵؛ عاملی نباطی، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، ج ۱، ص ۹۶؛ بحرانی، *مدینه معجز الاثمه الاثنی عشر*، ج ۱، ص ۲۸۴.

۶. بنگرید به: نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۶؛ طوسی، *رجال*، ص ۴۴۴.

۷. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۰۵.

۸. عاملی نباطی، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، ج ۱، ص ۹۶.

۹. حر عاملی در کتاب *اثبات الهداه* یکی از منابع خود را کتاب *معجزات النبوه* محمد بن وهبان ذکر می‌کند. (بنگرید به: حر عاملی، *اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات*، ج ۱، ص ۵۸) برای موارد استناد حر عاملی به دبیلی. (بنگرید به: همان، ج ۲، ص ۱۵۶، ج ۳، ص ۵۴۳)

۱۰. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۲، ص ۳۰۶ - ۳۰۵؛ عاملی نباطی، *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، ج ۱، ص ۹۶.

و نیز سلام دادن شیر در صحرا بر آن حضرت^۱ از این موارد است. تأکید بر نقش حضرت علی علیه السلام در دوران زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله از محورهای این روایات است. جالب اینجاست حتی در روایتی که حر عاملی از ابن وهبان درباره خلقت نوری معصومان علیهم السلام نقل کرده، اشاره به نور پیامبر صلی الله علیه و آله نشده است.^۲

این محتوا بیانگر آن است که برخی از سیره نگاران امامیه به قدری دغدغه مباحث کلامی حول محور امامت داشتند که از اصل موضوع کتابشان؛ که پرداختن به دلایل نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، غافل می شدند. دلیل این امر را می توان در بی توجهی دیگر نویسندگان مسلمان به نقش امام علی علیه السلام دانست. به همین دلیل، نویسندگان امامیه پر کردن خلأ تاریخی موجود را ضروری می دانستند. و دفاع از حقانیت امامان علیهم السلام، محتوای تألیفاتشان را به متنی کاملاً کلامی و به دور از معیارهای تاریخی تبدیل می کرد. روایات برجای مانده از دبیلی مؤید این ادعاست که به مواردی از آنها اشاره شد.

۳. رویکرد تاریخی

در رویکرد تاریخی مورخ به دنبال کشف فرایندها از طریق تفسیر جزئیات و گزارشات است. در این رویکرد مورخ می کوشد دقت، شفافیت و هماهنگی را در میان عناصر تاریخی رعایت کند.^۳ درحالی که در رویکرد روایی و کلامی، سیره نگاران به جنبه های فراتاریخی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله نظر دارند. در رویکرد تاریخی، پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان شخصیتی تاریخی که در زمانی به دنیا آمده، بزرگ شده، مبعوث شده، دوران مکی و مدنی را پشت سر گذاشته و سپس رحلت کرده است، مطرح می شود و سیر زمانی و تاریخی سیره در بیان و ترتیب مباحث پی گرفته می شود.^۴ عمدتاً کسانی که با رویکرد تاریخی به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته اند، از روش خبری بهره جسته اند. خبر؛ توصیف جامع رویدادی واحد است که گاه در قالب روایتی واحد نقل می شود و در مواردی نیز از تلفیق چند روایت؛ که هر کدام بخشی از ماجرا را حکایت می کنند، شکل می گیرد. تلفیق روایات متعدد برای ارائه گزارش واحدی از یک رویداد به حذف سلسله اسناد در اخبار تاریخی منجر می شد.

۱. عاملی نباطی، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقدیم، ج ۱، ص ۹۵.

۲. حر عاملی، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۲، ص ۲۲۹.

۳. توحیدی نیا و صفری فروشانی، تاریخ اسلام، ش ۶۴، ص ۱۶.

۴. داداش نژاد، سیره نویسان و قرآن، ص ۱۲.

این امر فاصله گرفتن از روش اهل حدیث بود که بر حفظ سلسله سند و ترکیب نکردن روایات با یکدیگر تأکید داشتند.^۱ از این رو، از همان قرون نخستین، برای تفکیک میان اهل حدیث با تاریخ‌نگاران، اصطلاح «اخباری»^۲ بر این گونه افراد اطلاق گردید که بعدها از آنان به عنوان «مورخ» یاد شد. در منابع این اصطلاح برای عوانه بن حکم (د. ۱۴۷)،^۳ هیثم بن عدی (د. ۲۰۶ ق)^۴ ابومخنف لوط بن یحیی (د. احتمالاً: ۱۵۷ ق)^۵ و عبدالعزیز بن یحیی جلودی (د. ۳۳۲ ق)^۶ و برخی دیگر، به کار رفته است.

بر خلاف سده‌های میانه اسلامی که در میان شیعیان توجه کمتری به رویکرد تاریخی شد، در قرون نخستین آثار متعددی با این رویکرد نوشته شد. از جمله این آثار، دو کتاب در موضوع وفود^۷ می‌باشد. یکی از این آثار *الوفود علی النبی ﷺ* نوشته حسین بن محمد ازدی از علمای قرن سوم هجری است^۸ که از وی با عنوان «ثقه من اصحابنا» و از آگاهان به سیره، آداب و شعر یاد شده است.^۹ عناوین کتاب‌های وی بیانگر رویکرد تاریخی او می‌باشد. کتاب دیگر *وفود العرب*

۱. روش اخباریان (مورخان) در گزارش حوادث تاریخی با ضوابط دقیق اهل حدیث مانند ضبط صحیح کلمات خبر و اطلاع از منازل رجال همخوانی نداشت و چنان‌که معهود آنان بود، اخبار حوادث را غالباً بی‌توجه به چنان دقت‌هایی که در نقل حدیث معمول بود، تنها از شاهدان عینی برمی‌گرفتند و چون بسیاری از شاهدان از گروه محدثان به شمار نمی‌رفتند، طبیعتاً از سوی اهل حدیث، اخباریان به روایت از «مجاهیل» یا جعل اخبار متهم می‌شدند (پهرامیان، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۶، ص ۲۱۶ - ۲۱۵) همچنین، ترکیب چند روایت با یکدیگر و روشن نکردن ناقلان هر بخش از متن ترکیبی، از دیگر ایراداتی بوده که اهل حدیث بر اخباریان می‌گرفتند. (ابن سید الناس، *عیون الاثر*، ج ۱، ص ۱۵)

۲. در عصر صفویه «اخباری» بر گروهی از علما اطلاق شد که بر پیروی از اخبار و احادیث و کنار گذاشتن روش اجتهاد برای دستیابی به احکام شرعی و تکالیف الهی تأکید داشتند. احیاکننده حرکت اخباری ملا محمد امین استرآبادی (د. ۱۰۳۶) بود که در آثار خود از این روش دفاع کرده و به مرور این تفکر در حوزه علمی - دینی تشیع بسط یافت. (جعفریان، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، ج ۱، ص ۲۸۸ - ۲۸۷)

۳. جعفریان، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، ج ۱، ص ۴۶۵.

۴. سمعانی کسی را که به نقل حکایات، قصه‌ها و نوادر پرداخته، اخباری نامیده است. (سمعانی، *الانساب*، ج ۱، ص ۱۳۰)

۵. نجاشی، *رجال*، ص ۳۲۰.

۶. همان، ص ۲۴۰.

۷. وفود جمع وفد است که به معنای ورود نماینده یک قوم بر امیر و یا شخصیت بزرگی می‌باشد. (جوهری، *الصحاح*، ج ۲، ص ۵۵۳)

۸. نجاشی، *رجال*، ص ۶۵ اطلاعات دقیقی از زندگی وی در دست نیست، آقا بزرگ به جهت اینکه منذر بن محمد قابوسی از شاگردان او بوده و قابوسی نیز از مشایخ ابن عقده (د. ۳۳۳ ق) بوده است، ازدی را از علمای قرن سوم هجری به حساب آورده است. (آقا بزرگ، *الدریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۱، ص ۳۱۳)

۹. بنگرید به: ابن غضائری، *رجال*، ص ۱۲۱ ابن داود، *رجال*، ص ۱۲۷.

الی النبی ﷺ نوشته منذر بن محمد قابوسی می‌باشد که نجاشی از وی با عبارت «من اصحابنا» یاد نموده و او را توثیق کرده است.^۱ منابع رجالی اطلاعات زیادی از زندگی وی نمی‌دهند. از این رو تاریخ ولادت و وفات وی مشخص نیست. آقا بزرگ، قابوسی را معاصر محمد بن یعقوب کلینی (د. ۳۲۹ ق) می‌داند.^۲ قابوسی را مورخ و از مشایخ ابن عقده دانسته اند.^۳ رجال شناسان، حسین بن محمد ازدی را از مشایخ قابوسی می‌دانند.^۴ این امر تأثیرپذیری قابوسی از ازدی را نشان می‌دهد.

در منابع شیعی هیچ روایتی درباره وفود به نقل از ازدی و قابوسی نیامده است. تنها روایاتی از این دو راوی نقل شده که کارکرد اعتقادی دارند.^۵ تنها در *اسد الغابه* و *الاصابه* ۹ روایت از این دو در باب وفود نقل شده است. سه روایت تنها در *اسد الغابه*،^۶ پنج روایت در *الاصابه* ۷ و یک روایت در هر دو منبع آمده است.^۸ متن روایات نشان می‌دهد ابن اثیر (د. ۶۳۰ ق) و ابن حجر (د. ۸۵۲ ق) هیچ کدام به اصل کتاب‌ها دسترسی نداشته و از طریق واسطه از جمله با سلسله سند از ابن شاهین^۹ این روایات را نقل کرده‌اند. روایات موجود جنبه تاریخی داشته و خالی از نگرش‌های کلامی است. از طرفی ازدی و قابوسی هیچ روایتی را در زمینه وفود از امامان شیعه نقل نکرده‌اند. این در حالی است که از سیف بن عمر تمیمی (د. ۲۰۰ ق) که از جاعلان حدیث بوده و به دروغ‌گویی متهم شده،^{۱۰} روایت نقل کرده اند.^{۱۱} این امر بیانگر رویکرد تاریخی آنان و اهتمام به نقل اخبار

۱. نجاشی، *رجال*، ص ۴۱۸؛ بنگرید به: ابن داود، *رجال*، ص ۲۷۳؛ حائری مازندرانی، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، ج ۶ ص ۳۳۳.

۲. آقا بزرگ، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۵، ص ۱۲۲.

۳. سبحانی، *موسوعه الطبقات الفقهاء*، ج ۴، ص ۴۸۶.

۴. ابن غضائری، *رجال*، ص ۱۲۲ - ۱۲؛ نجاشی، *رجال*، ص ۶۶.

۵. ابن عقده، *فضائل امیر المومنین*، ص ۱۴.

۶. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۱، ص ۶۱ و ۷۵ و ۳۸۸.

۷. ابن حجر عسقلانی، *الاصابه*، ج ۵، ص ۳۷۷؛ ج ۶ ص ۵۸؛ ج ۳، ص ۲۴؛ ج ۶ ص ۱۰۱ - ۱۰۰.

۸. بنگرید به: ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۳، ص ۱۰۳؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه*، ج ۲، ص ۴۶۵.

۹. عمر بن احمد، معروف به ابن شاهین (۳۸۵ - ۲۹۷ ق) از اهالی بغداد و از عالمان به حدیث بوده است. گفته شده که او دارای سبصد کتاب بوده است. (زرکلی، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، ج ۵، ص ۴۰)

۱۰. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۱۱، ص ۱۶۲ - ۱۶۱؛ خوئی، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال*، ج ۱۱، ص ۲۰۷؛ تستری، *قاموس الرجال*، ج ۵، ص ۳۷۶.

۱۱. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۱، ص ۳۸۸.

تاریخی است. به نظر می‌رسد اهتمام ازدی و شاگردش قابوسی در پایبندی به روش و رویکرد تاریخی و عدم نقل از معصومان علیهم‌السلام، از عوامل بی‌مهری علمای شیعه به آثار این دو بوده است. از دیگر نویسندگان امامی که رویکرد تاریخی داشته، عبدالعزیز بن یحیی جلودی است که نجاشی وی را «شیخ بصره» و از «اخباریان» می‌داند.^۱ حلی از وی با عنوان «امامی المذهب» یاد کرده است.^۲ جلودی مورخی پرکار بوده و نجاشی برای او حدود ۲۰۰ اثر نام برده که بیش از نیمی از آنها تاریخی است.^۳ وی در سیره پیامبر ﷺ و موضوعات پیرامونی آن، آثاری همچون: کتاب *نسب النبی ﷺ*، *خطب النبی ﷺ*، *کتب النبی ﷺ*، *قطاع النبی ﷺ* و *کتاب أخبار الوفود علی النبی ﷺ* و *ابی بکر و عمر و عثمان* را نگاشته است.^۴ به عنوان مثال *قطاع النبی ﷺ* رویکرد اقتصادی نویسنده به سیره نبوی ﷺ را نشان می‌دهد. مراد از قطاع زمین‌ها و املاکی است که حاکم بر اساس اختیاراتی که دارد، به دیگری واگذار می‌کند.^۵ اطلاعات این کتاب می‌توانست به تبیین دقیق سیره اقتصادی رسول خدای ﷺ کمک کند. عناوین آثار جلودی بیانگر اهتمام وی به رویکرد تاریخی و پایبندی به روش تاریخی است. این امر یکی از دلایل بی‌توجهی به آثار تاریخی وی از سوی دانشمندان امامیه و در نتیجه از بین رفتن این آثار می‌باشد. جالب اینجاست که در زمینه‌های متناسب با آثار تاریخی جلودی، هیچ روایتی در منابع روایی شیعه نقل نشده است. این امر هر چند قضاوت را درباره رویکرد وی سخت می‌کند، اما تأکید رجال‌شناسان بر اخباری بودن وی و نیز عناوین آثارش، رویکرد تاریخی وی را اثبات می‌کند.

نتیجه

سیره‌نگاران امامیه در قرون دوم تا چهارم هجری، متأثر از فضای حاکم بر جامعه شیعه و متناسب با آن، با رویکردهای متفاوتی به نگارش سیره پیامبر ﷺ پرداختند. عناوین سیره‌های آنان و نیز قطعات برجای مانده از این آثار بیانگر وجود سه رویکرد غالب در جامعه امامیه است. برخی به منظور حفظ میراث روایی امامان علیهم‌السلام و با تأکید بر نقل‌گرای، سیره پیامبر ﷺ را با رویکرد روایی

۱. نجاشی، *رجال*، ص ۲۴۰.

۲. حلی، *خلاصه الاقوال*، ص ۱۱۶.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۲۴۴ - ۲۴۰.

۴. همان، ص ۲۴۳ - ۴۰.

۵. ازهری، *تهذیب اللغه*، ج ۱، ص ۱۳۰، واژه «قطع».

گزارش کرده‌اند. به رغم تفاوت گونه‌ها و قالب‌های عرضه روایات سیره، همه آنها در توجه محض بر نقل و در نتیجه تسامح در سند و راوی، بی توجهی به عناصر تاریخ نگاری، عدم توجه به نقد و تحلیل و تأکید بر باورهای کلامی اشتراک دارند. فراوانی آثاری که با رویکرد روایی نوشته شده‌اند، بیانگر غلبه نگاه نقل‌گرایی بر جوامع شیعی است. برخی از سیره‌نگاران نیز به منظور دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام و با رویکرد کلامی به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداختند. نشان دادن جنبه فراتاریخی زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و برجسته کردن نقش امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در دوران آن حضرت از ویژگی‌های رویکرد کلامی است. در رویکرد تاریخی نیز تأکید بر ارتباط فرایندی وقایع زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بهره‌گیری از خبر برای نقل آن مدنظر بوده است. بررسی روایات برجای مانده از حسین بن محمد ازدی و منذر بن محمد قابوسی که رویکرد تاریخی داشتند، بیانگر این نکته است. همچنین، مقایسه میان روایات ابان بن عثمان بجلی با نویسندگان پس از وی، بیانگر پُررنگ شدن مباحث کلامی در سیره‌های پس از ابان است. این موضوع در سده‌های بعد جدی‌تر شد، به گونه‌ای که سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حاشیه و توجه به زندگی دیگر معصومان علیهم‌السلام در صدر تمایلات نویسندگان امامیه قرار گرفت. مؤید این ادعا کتاب *الارشاد* شیخ مفید است که بخش مستقلی از آن به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اختصاص داده نشد و تنها در خلال بررسی زندگی دیگر معصومان علیهم‌السلام جنبه‌هایی از زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آن هم برای اثبات باورهای کلامی ذکر گردیده است. از این رو، از قرن چهارم به بعد رویکرد روایی و کلامی بر تألیفات شیعیان سایه گسترد و رویکرد تاریخی کنار گذاشته شد. همین امر یکی از دلایل مهم مفقود شدن آثاری است که با رویکرد تاریخی نوشته شد، به گونه‌ای که از آثار فراوان عبدالعزیز بن یحیی جلودی هیچ اثری باقی نمانده است. همچنین از دو اثر وفودنگاری حسین ازدی و منذر بن محمد قابوسی هیچ روایتی در باب وفود در منابع شیعه نقل نگردید و تنها در منابع اهل سنت روایاتی از آنها برجای ماند.

منابع و ماخذ

۱. آقابزرگ تهرانی، محسن، *الدریعه الی تصانیف الشیعه*، تهران - قم، کتابخانه اسلامی - اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، *أسد الغابه فی معرفة الصحابه*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابة فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان‌المیزان*، تحقیق عبد الفتاح ابو غده، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۲ م.
۵. ابن داود، حسن بن علی، *رجال*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۶. ابن سید الناس، محمد، *عیون‌الأثر فی فنون‌المغازی والشمال والسير*، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م.
۷. اعوانی، غلامرضا، *مقدمه بر اعلام‌النبوہ رازی*، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم‌العلماء*، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی‌طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۰. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، *فضائل أمير المؤمنین*، قم، دلیل ما، ۱۴۲۴ ق.
۱۱. ابن غضائری، احمد بن ابی عبد الله، *رجال*، تحقیق محمد رضا حسینی، قم، دار الحدیث، ۱۳۶۴.
۱۲. ابن هشام، عبد الملک، *السیرة النبویه*، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم ایاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۳. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب‌اللغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۴. اسفندیاری، محمد، *عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین*، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۷.
۱۵. امین، سید محسن، *أعیان‌الشیعه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. باقری، خسرو، «نگرش چیست و چگونه می‌توان نگرش‌ها را تغییر داد؟»، تربیت، ش ۳۱، ۱۳۶۷.
۱۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. بهرامیان، ابو مخنف، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، چ اول، ۱۳۷۳.
۱۹. تستری، محمد تقی، *قاموس‌الرجال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۲۰. توحیدی نیا، روح الله و نعمت الله صفری فروشانی، «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی

- امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری»، *تاریخ اسلام*، شماره مسلسل ۶۴، ۱۳۹۴.
۲۱. جاحظ، عمرو بن بحر، *البيان والتبيين*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، ۲۰۰۲ م.
۲۲. جرار، ماهر، «نخستین منابع شیعی درباره زندگی پیامبر ﷺ»، ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، *هفت آسمان*، ش ۳۲، ۱۳۸۵.
۲۳. جعفریان، رسول، *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۲۴. جعفریان، رسول، *مقدمه بر المبعث والمغازی والوفاة والسقیفه والرده*، نوشته ابان بن عثمان بجلی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۲۶. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، *إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۲۸. حق شناس، علی محمد و همکاران، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، چ بیست و یکم، ۱۳۹۰.
۲۹. حلّی، جعفر بن حسن، *معارض الأصول*، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الأقوال*، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۳۱. خوارزمی، محمد بن أحمد، *مفاتیح العلوم*، بیروت، دار المناهل، ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۸ م.
۳۲. خویی، سید ابو القاسم موسوی، *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*، قم، مرکز النشر الثقافة الاسلامیه، چ پنجم، ۱۳۷۲.
۳۳. داداش نژاد، منصور، *سیره نویسان و قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۳۴. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
۳۵. زرکلی، خیرالدین، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹ م.
۳۶. زرین کوب، عبدالحسین، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
۳۷. سبحانی، جعفر، *موسوعه طبقات الفقهاء*، قم، مؤسسه امام صادق ﷺ، ۱۴۱۸ ق.

تبيين رویکردهای سیره‌نگاران امامیه به سیره پیامبر ﷺ در قرون دوم تا چهارم هجری □ ۱۱۷

۳۸. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م.
۳۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، تحقیق امیر علی مهنا و علی فاعور، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م.
۴۰. صدوق، محمد بن علی، الأملی، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق / ۱۳۶۲.
۴۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «مفهوم شناسی اصطلاح امامیه»، نقد و نظر، س ۲۱، ش ۴، ۱۳۹۵.
۴۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، قم، آل‌البيت، ۱۴۱۷ ق.
۴۴. طوسی، محمد بن الحسن، الأملی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۴۵. ———، رجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷ ق.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، نجف اشرف، المكتبة الرضویة، بی‌تا.
۴۷. عاملی نباطی، علی من محمد، الصراط‌المستقیم إلى مستحقى‌التقدیم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۴۹. قلقشندی، احمد بن عبد الله، صبح‌الأعشى فی صناعة‌الإنشاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
۵۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۵۱. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، بحار‌الأنوار‌الجامعه لدرر أخبار‌الأئمة‌الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۴. مفید، محمد بن محمد، الفصول‌المختاره، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۵۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. هورویتز، جوزف، المغازی‌الأولی و مؤلفوها، قاهره، مکتبه دخانچی، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی